

مهم‌ترین قراین جدید و نقش آن‌ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی

پوهاند داد محمد نذیر

عضو کادر علمی پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل

و همکار قلمی مجله علمی پوهنتون دعوت

d.mohammad.nazir.1@gmail.com

چکیده

بدون شک برائت ذمه حالت اصلی انسان است؛ یعنی تا زمانی که جرم انسان با دلایل قاطع ثابت نشود، برئ الذمه و بیگناه بوده و محکوم به جزاء نخواهد گردید. پس برای اثبات جرم و محکومیت مرتکب آن به جزاء نیاز به دلایل اثبات است. دلایل اثبات از نظر فقه اسلامی و قوانین وضعی متعدد و گوناگون می‌باشند. از جمله دلایل اثبات جرم، قراین به خصوص قراین جدید است. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است تا مهم‌ترین قراین جدید و نقش آن‌ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. سوال اصل تحقیق چنین مطرح شده است: «نقش مهم‌ترین قراین جدید در اثبات جرایم به ویژه جرایم تعزیری از نظر فقه اسلامی چیست؟» فرضیه پاسخ دهنده چنین مطرح شده بود که قراین جدید در شرایط کنونی در اثبات جرایم تعزیری نقش کلیدی دارند. هدف علمی این تحقیق جواب‌گویی به سوال اصلی است. البته این مقاله با رویکرد تحلیلی-تفسیری و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مراجعه به کتب تفسیر، حدیث، فقه اسلامی، قانون، مقالات علمی-تحقیقی و آرای فقهاء و حقوقدانان معاصر انجام شده است. یافته‌های این تحقیق بیانگر این مطلب است که قراین جدید به شرط آن‌که افاده علم حسی و قطعی را نماید، می‌تواند به عنوان یکی از وسایل اثبات در زمینه اثبات جرایم به خصوص جرایم تعزیری نقش اساسی را ایفاء نموده و از این طریق عدالت و انصاف تأمین گردیده و جلوی ظلم و ستم گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: قراین، جرایم، اثبات جرایم، جرایم تعزیری، فقه اسلامی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۲/۳۱

تاریخ تأیید مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

Abstract

Undoubtedly, the innocent until proven guilty is the main state, that is, until the crime of man is proved by decisive reasons, it is innocence and will not be sentenced to any punishment. Therefore, in order to prove the crime and the law of committing it, a penal order is required reasons for proof. The reasons for proof from the point of view of Islamic jurisprudence and laws are numerous conditions and conditions. One of the reasons for proving a crime is the evidence, especially the new ones clues. Therefore, in this paper, we have tried to answer the question of what is the most important new evidence in proving crimes, especially "Ta'zire crimes" in terms of Islamic jurisprudence.

The answering hypothesis to this question is that new evidences play a key role in the current situation in the context of "Ta'zire crimes". The scientific purpose of this research is to answer the main question of course this research is analytical-exegetical and has been developed using library studies, such as: references to of exegesis books, hadith books, Islamic jurisprudence books, scientific law research paper, and beyond contemporary jurists and scholars.

The findings of this research show that the new evidence can be considered as one of the means of proof in the field of proving crimes, provided that it provides sensory and definite knowledge. And especially in punishment crimes "Ta'zire crimes", it plays an essential role, and in this way, justice and fairness are ensured and oppression is prevented.

Keyword:

Evidences, Crimes, Proof of crimes, Tazire Crimes, Islamic Jurisprudence

Dawat Academic Journal

Fourth Year, Issue

9 (Winter 2024)

Received: 2022-4-21

Accepted: 2024-3-15

مقدمه

وقتی در ادوار مختلف در امور جنایی تحقیق انجام شود، برای محققین واضح می شود که مجرمان در گذشته، با وسایل خیلی ساده مرتکب جرایم می گردیدند؛ به گونه ای که مسؤولین امنیتی، آن ها را بدون تکلیف و به آسانی کشف و شناسایی می نمودند؛ اما در نتیجه پیشرفت علم و تکنالوژی، مجرمان برای ارتکاب جرایم از روش های مختلف استفاده می کنند و پولیس نیز به منظور کشف جرم و شناسایی مجرمان و اثبات جرم از وسایل مدرن و پیشرفته علمی متناسب با پیشرفت روش های ارتکاب جرم، استفاده به عمل می آورند. از جمله قرائین جدید که در نزد فقهاء معروف نبوده؛ ولی با پیشرفت علم و شیوه های ارتکاب جرم به وجود آمده اند.

پیشرفت علم و دست آوردهای آن، قرائین به خصوص قرائین جدید را به شمشیر دو لبه تبدیل کرده است که با یک لبه برای جنایتکار زمینه فرار از جنگ عدالت را فراهم ساخته است و با لبه دیگر توانایی آن را برای حاکم داده است که مجرمان را تعقیب و شناسایی نمایند و آن ها را به طور عادلانه مورد کیفر قرار دهند. بنابراین، تحقیق پیرامون قرائین به خصوص قرائین جدید در شرایط کنونی مقتضای تحولات اجتماعی و امنیتی است؛ چنانکه مبارزه در برابر خواسته های عصر و دست آوردهای آن یک ضرورت می باشد. بناء در تحقیق کنونی برآنیم تا مهم ترین قرائین جدید و نقش آن در اثبات جرم از دید فقه اسلامی مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم. سوال اصلی تحقیق کنونی این گونه مطرح می شود: «مهم ترین قرائین جدید کدام ها اند و چه نقشی در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی دارد؟» در پیوند به این سوال می توان گفت که موجودیت قرائین یکی از راه های مناسب جرم به حساب می رود.

راجع به ارزش تحقیق پیرامون قرائین به خصوص قرائین جدید به عنوان وسیله اثبات جرایم می توان گفت که قضاء ذریعه قرائین یکی از اصول شریعت اسلامی است، خواه اقرار یا بینه وجود داشته باشد یا خیر؛ زیرا بعضی اوقات، اقرار یا بینه در هنگام موجودیت تهمت رد می شود، مانند این که اگر شاهد با مشهود له خویشاوندی داشته باشد یا شخصی در اثنای

مرض مرگ خود اعتراف نموده باشد، چنین شهادت و اعترافی در پیشگاه محکمه قابل قبول نخواهد بود. قرینه احياناً مانع شنیدن دعوی می گردد، مثلاً هرگاه شخص فقیر تنگدستی علیه شخص غنی توانگری ادعاء نماید که از او قرض گرفته است، در این حالت ادعای او شنیده نخواهد شد. گاهی در هنگام تعارض ادله از قبیل وضع «ید» و امثال آن به عنوان دلیل مرجح به کار گرفته می شود و برخی اوقات، در صورتی که دلیل اثبات دیگری وجود نداشته باشد یگانه وسیله اثبات مستقل تلقی می شود، نظیر این که اگر زوجه علیه زوج خود ادعاء نماید که برایش انفاق نمی کند؛ درحالی که در یک خانه با او ساکن باشد، در یک رأی فقهای مالکی و حنبلی ادعای او «رد» خواهد گردید. (الزحیلی، ج ۸، بی تا: ۲۸۵) ابن قیم الجوزیه می گوید: «کسی قراین و نشانه ها را در شرع به صورت کلی ترک کند و آن ها را من حیث دلیل اثبات نپذیرد، در واقع خیلی از احکام شرع را تعطیل و بسیاری از حقوق را ضایع نموده است.» (قیم الجوزیه، بی تا: ۸۷)

راجع به هدف علمی این تحقیق می توان گفت که جواب گویی به سوال اصلی است که قبلاً مطرح شده بود. هرگاه نویسنده به سوال مذکور جواب درخور ارایه نماید، در واقع مشکل را حل نموده به هدف خود متصل گردیده است. این تحقیق با استفاده از مطالعات کتابخانه ای، یعنی مراجعت به کتاب های تفسیر، حدیث، فقه اسلامی، قانون، مقالات علمی-تحقیقی و آرای فقهاء و حقوقدانان معاصر تدوین گردیده است.

پیشینه تحقیق

تا جایی که بنده معلومات دارم، کتب و مقالات زیادی در داخل و خارج کشور در این زمینه به رشته تحریر در آمده و به نشر رسیده است که برخی از آن ها را قرار ذیل به معرفی می گیریم:

- کتاب «التشريع الجنائي الاسلامي مقارنا بالقانون الوضعي» تألیف مرحوم الشيخ عبدالقادر عوده.

- کتاب «الفقه الاسلامي وادلته» تألیف مرحوم استاذ دكتور وهبه الزحيلي.

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۷

- کتاب «نظریة الاثبات فی الفقه الجنائی الاسلامی» تألیف استاذ دکتور احمد فتحی بهنسی.
- کتاب «حقوق جزای اختصاصی اسلام» تألیف بنده.
- مقاله علمی- تحقیقی تحت عنوان: «الاثبات بالقرائن أو الأمارات» از الشیخ مجتبی الم محمود والشیخ محمد علی التسخیری، نشر شده در «مجله مجمع الفقه الاسلامی» مربوط به منظمه المؤتمر الاسلامی درجده، شماره ۱۲.
- مقاله علمی- تحقیقی زیر عنوان: «الاثبات بالقرائن والأمارات» از دکتور عکرمه سعید صبری نشر شده در «مجله مجمع الفقه الاسلامی» مربوط به منظمه المؤتمر الاسلامی درجده، شماره ۱۲.
- مقاله علمی-تحقیقی تحت نام: «القرائن فی الفقه الاسلامی علی ضوء الدراسات القانونية المعاصرة» از المستشار محمد بدری المنیاوی نشر شده در «مجله مجمع الفقه الاسلامی» مربوط به منظمه المؤتمر الاسلامی درجده، شماره ۱۲.
- مقاله علمی-تحقیقی زیر نام: «الاثبات بالقرائن أو الأمارات» از الشیخ محمد الحاج الناصر نشر شده در «مجله مجمع الفقه الاسلامی» مربوط به منظمه المؤتمر الاسلامی درجده، شماره ۱۲.
- مقاله علمی-تحقیقی تحت نام: «دور القرائن والأمارات فی الاثبات» از دکتور عوض عبدالله ابوبکر نشر شده در «مجله مجمع الفقه الاسلامی» مربوط به منظمه المؤتمر الاسلامی درجده، شماره ۱۲.
- مقاله علمی-تحقیقی تحت عنوان: «الطرق الحکمیة فی القرائن کوسيلة اثبات شرعیة» از دکتور حسن بن محمد سفر نشر شده در «مجله مجمع الفقه الاسلامی» مربوط به منظمه المؤتمر الاسلامی درجده، شماره ۱۲.
- مقاله علمی- تحقیقی تحت نام: «قراین به عنوان یکی از وسایل اثبات در فقه اسلامی وقانون مدنی افغانستان» اثر بنده نشر شده در «مجله علمی- تحقیقی پوهنتون کابل» مربوط به پوهنتون کابل.

-مقاله علمی-تحقیقی زیر نام: «معاینات طب عدلی مدارک اثباتیه جرم» از راضیه رؤوفی نشر شده در «مجله عدالت، ماه نامه تخصصی، حقوقی و فرهنگی» مربوط به وزارت عدلیه در کابل، سال ۲۰، شماره ۱۹۲ / دلو ۱۳۹۷.

در کتاب‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۴ از قراین، ارکان، انواع آن از نظر فقه اسلامی و بعضا از دیدگاه قانون وضعی بحث شده است؛ ولی راجع به قراین جدید و علمی چیزی گفته نشده است. در مقالات شماره ۵، ۶، ۷، ۸ و ۹ ترکیب بر قراین سنتی است و از قراین جدید به صورت خیلی جانبی و حاشیوی بحث صورت گرفته است. مقاله شماره ۱۰ هرچند عمده‌ترین قراین جدید را نیز مورد بحث قرار داده است؛ ولی به طور خیلی‌ها موجز و در عین زمان صرفا از منظر فقه اسلامی به بحث پرداخته است. بنده در مقاله شماره ۱۱ فقط قراین سنتی را به عنوان یکی از وسایل اثبات صرفا در مسایل مدنی مورد بحث قرار داده‌ام. مقاله شماره ۱۲ هرچند عمده‌ترین قراین جدید را به حیث وسیله اثبات در جرایم تعزیری مورد بحث قرار داده است؛ ولی از نظر فقه اسلامی نه بلکه از صرفا دیدگاه قانون به مطالعه گرفته است؛ اما در مقاله هذا کوشش شده است که از یک ناحیه به بحث پیرامون مهم‌ترین قراین جدید من حیث وسیله اثبات جرایم به صورت مفصل پرداخته شود و از ناحیه دیگر عمده‌ترین قراین جدید هم از نظر فقه اسلامی و هم از دیدگاه قانون به خصوص قانون اجراءات جزایی کشور، مورد بررسی قرار داده شده است.

تعریف مفاهیم

مفهوم قرینه، ارکان و اقسام آن

در اینجا نخست مفهوم قرینه و سپس ارکان قرینه و در اخیر اقسام آن را قرار ذیل

بیان می‌کنیم:

الف- مفهوم قرینه: قرینه یک واژه عربی بوده و در چندین معنی استعمال گردیده است. از آن جمله به معنای نفس انسان آمده است؛ زیرا نفس همواره مقارن و مصاحب با خود انسان می‌باشد. هم‌چنین به معنای خانم آمده است؛ زیرا خانم همیشه مقارن و

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۹

مصاحب با شوهرش می باشد؛ اما در ارتباط به معنای اصطلاحی قرینه از جانب نویسندگان اسلامی تعریف های متعددی نقل شده است. از جمله دکتر عبدالعال عطوة می گوید: «قرینه عبارت است از یک علامت ظاهری که به وسیله «نص» یا اجتهاد، یا فهم بریک امر خفی مقارن با آن، دلالت می کند». (احمد عطوة، بی تا: ۲۸) بدین وسیله امر مجهولی که مورد ادعاء است ثابت می شود. بنابراین، در تعریف قرینه می توان گفت که قرینه عبارت است از هر علامه و نشانه واضح و آشکاری که با شی مخفی مقارن توأم بوده و بر آن شی پنهان دلالت می نماید.

ب- ارکان قرینه: اگر پیرامون تعریفی که برای قرینه ارائه شد تعمق شود، این امر واضح خواهد شد که قرینه دارای سه رکن است که آن ها عبارتند از: امر ظاهر، امر خفی و رابطه موجود در بین این دو امر.

۱- امر ظاهر: وجود نشانه ظاهری معروفی که بتواند اساس اعتماد قرار گیرد. در تحقق قرینه ضروری است و از آن تعبیر به «دال» می شود.

۲- امر خفی: وجود امر مخفی ای که نشانه ظاهری بر آن دلالت نماید، در تحقق قرینه نیز ضروری است و از آن تعبیر به «مدلول» می شود.

۳- رابطه در بین امر ظاهر و امر خفی: وجود رابطه در بین امر ظاهر و امر خفی در تحقق قرینه نیز ضروری است؛ زیرا به وسیله همین رابطه است که انسان از امر ظاهر به درک امر مجهول متصل می گردد. قوت وضعف قرینه مرهون قوت وضعف این رابطه است. با این توضیح که هرگاه این رابطه قوی باشد، قرینه نیز قوی و هرگاه این رابطه ضعیف باشد قرینه نیز ضعیف خواهد بود. این رابطه را هر انسان درک کرده نمی تواند؛ بلکه انسانی درک خواهد کرد که دارای استعداد علمی عالی و قوت ذهنی بلند باشد. (مصطفی احمد الزرقا، ج ۲، ۱۹۴۶، م: ۹۱۸)

ج- اقسام قرینه: قرینه از نظر فقهاء به چندین اعتبار چندین تقسیم دارد و مهم ترین آن ها عبارتند از:

یکم - تقسیم قرینه به اعتبار قوت اثبات آن: قرینه به این لحاظ به سه نوع تقسیم می‌شود: یکی قرینه قویه، دیگری قرینه ضعیفه و سومی قرینه کاذبه می‌باشد.

۱- قرینه قویه: قرینه قویه یا قاطعه یا نشانه آشکار، طبق حکم ماده ۱۷۴۰ مجله الاحکام العدلیه، عبارت است از اینکه در دلالت خود بر مدلولش به مرحله یقین رسیده باشد. مثال آن در قرآن کریم این است که برادران یوسف (ع) پیراهن خون آلود او را به نزد یعقوب (ع) آوردند و با استفاده از این قرینه مبنی بر اینکه یوسف (ع) را گرگ خورده است - در برابر پدرشان استدلال کردند؛ ولی یعقوب (ع) با وحی الهی با استفاده از قرینه دیگر؛ یعنی سالم بودن پیراهن یوسف (ع) از پارگی، مبنی بر دروغ بودن سخن آن‌ها استدلال نمود؛ زیرا ممکن نیست که گرگ، یوسف (ع) را در حالی که لباس به تن دارد بخورد و پیراهنش از پارگی سالم بماند. (القرطبی، ج ۹، ۱۹۶۴م: ۱۴۹)

مثال آن در حدیث نبوی این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم به کاکای حیی بن اخطب فرمود: «الْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْمَالُ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ». زمانی هزینه اندک و مال بیشتر از آن است، سپس او را به زبیر بن عوام (رض) تسلیم داد و زمانی که زبیر (رض) او را شکنجه کرد اعتراف نموده گفت: «حیی را دیدم که در فلان مخروبه دور می‌زد و وقتی که به آن مخروبه رفتند و جست‌وجو کردند مشک را در آنجا یافتند.» پیامبر صلی الله علیه وسلم کثرت مال و کوتاه بودن مدتی را که تمام مال در آن مدت هزینه شود، قرینه گردانده استدلال کرد که مال هزینه نشده؛ بلکه موجود است. مثال آن در عملکرد صحابه (رضی الله عنهم) این است که عمر بن خطاب (رض) شراب نوش را زمانی که شراب قیئ می‌کرد یا از دهانش رایحه شراب را استشمام می‌کرد مورد مجازات قرار می‌دهد و زنی را که نه شوهری می‌داشت و نه باداری، وقتی که از حامله بودنش مطمئن می‌گردید، حد زنا را بر او جاری می‌ساخت. در اینجا دیده می‌شود که آن حضرت (رض) فقط بر قرینه اعتماد می‌کرد؛ زیرا قرینه قطعی است و احتمال هیچ شبهه‌ای را ندارد مگر اینکه پس از آن ثابت

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۱۱

می شد که زن مورد تجاوز و امثال آن قرار گرفته است؛ زیرا ثبوت آن شبهه ای به حساب می آمد که حد به واسطه آن دفع می گردید؛ چرا که حدود به شبهات دفع می شوند.

۲- قرینه ضعیفه: قرینه ضعیفه یا غیر قاطعه عبارت است از اینکه در دلالت خود بر مدلولش ضعیف باشد. دلالت قراین بر مدلولات خویش به لحاظ قوت وضعف متفاوت می باشد، به گونه ای که گاهی به مرحله یقین می رسد، قرینه قاطعه می شود و گاهی به مجرد احتمال نزول می کند، قرینه غیر قاطعه می شود و اعتماد بر آن به تنهایی در ایجاد حکم صحیح نمی باشد؛ بلکه به علاوه آن به دلیل یا قرینه دیگر ضرورت می باشد تا حجت شمرده شود. مثال آن این است که هرگاه مردی با زن بیگانه ای در یک مکان تاریک یافت شود و هیچ کس حدوث عمل موجب اقامه حد بر آن ها را مشاهده ننماید، پس مجرد وجودشان در یک مکان مشکوک برای اثبات حد بر آن ها کفایت نمی کند؛ بلکه ایجاب تعزیر مناسب را می نماید. عمر بن خطاب (رض) در ایجاد حکم فقط بر قرینه ضعیفه اعتماد نکرده است، چنانکه از آن حضرت (رض) ثابت شده است که مردی را که با زنی بعد از غیبت شفق در یک مکان مشکوک یافت، حد زنا را بر آن ها اجراء نکرد؛ ولی آن ها را با ضرب مورد مجازات قرار داد. (محمد الفائز، ۱۹۸۲، م: ۵۹)

۳- قرینه کاذبه: قرینه کاذبه یا قرینه متوهمه عبارت است از اینکه نه افاده علم و نه افاده ظن را نماید و نه بر آن حکمی مرتب شود و در اصل هیچ گونه دلالتی نداشته باشد. مثال آن را در این روایت می توان یافت و آن اینکه امام شعبی (رح) به عنوان قاضی کار می کرد و مردی به نزد او آمده گریان کرد که فلانی براو ظلم کرده است، سپس مردی به امام شعبی گفت: «شاید این مرد مظلوم باشد» امام شعبی گفت: «برادران یوسف خیانت کردند، ظلم نمودند، دروغ گفتند و طرف شب آمدند و به خاطر از دست دادن یوسف (ع) گریان کردند تا خودشان را از خیانت برائت دهند و به یعقوب (ع) نشان دهند که آن ها با او در این مصیبت شریک هستند و آنچه را یعقوب (ع) برایشان قبلاً اظهار داشته بود (او هراس دارد که اگر یوسف را با خود ببرند او را گرگ خواهد خورد) ثابت سازند.» و الله

متعال از آن‌ها حکایت نموده می‌فرماید: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾. (یوسف: ۱۷)

ترجمه: گفتند: ای پدر! ما رفتیم و سرگرم مسابقه (دو و تیراندازی) گشتیم و یوسف را نزد اثاثیه خود گذاردیم و گرگ (آمد و) او را خورد. تو هرگز (سخنان) ما را باور نمی‌داری، هرچند هم راستگو باشیم (چرا که یوسف را بسیار دوست می‌داری و ما را بدخواه او می‌انگاری). پیراهن یوسف (ع) را که آلوده با خون بود آوردند تا نشان دهند که خون موجود در پیراهن، خون یوسف است.

موجودیت خون در پیراهن در ذات خود قرینه داله بر قتل است؛ ولی زمانی که قرینه دیگری که نسبت به آن قوی‌تر است و بر عدم قتل دلالت می‌کند، عدم پاره شدن پیراهن یوسف (ع) است که با آن معارض واقع شد و بر این امر دلالت کرد که قرینه اولی قرینه کاذبه است و بر قتل دلالت نمی‌کند و به همین دلیل توصیف آن به قرینه کاذبه جایز است. (ابراهیم بن محمد الفائز، ۱۹۸۲ م: ۵۹-۶۰) زیرا الله متعال می‌فرماید: ﴿وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ﴾. [یوسف: ۱۸] پیراهن او را آلوده به خون دروغین بیاوردند.

دوم - تقسیم قرینه به اعتبار مصدر آن: قرینه به این لحاظ نیز به سه نوع تقسیم می‌شود: یکی قرینه شرعی، دیگری قرینه فقهی و سومی قرینه قضائی می‌باشد.

۱- قرینه شرعی: قرینه شرعی یا نصی عبارت است از اینکه در رابطه به آن نصی از قرآن کریم یا سنت نبوی آمده و شارع آن را نشانه داله‌ای بر مدلول معینی قرار داده باشد. مثال آن از قرآن کریم این قول الله متعال است که می‌فرماید: ﴿إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدٌّ مِّنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدٌّ مِّنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾. [یوسف: ۲۶-۲۷]

اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، زن راست می‌گوید و یوسف از زمره دروغگویان خواهد بود و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، زن دروغ می‌گوید و یوسف از زمره راستگویان خواهد بود. الله متعال در این آیه پاره شدن پیراهن یوسف را از

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۱۳

پشت سر قرینه بر برائت او و دروغگویی زلیخا گردانده است. در جای دیگری می‌فرماید: ﴿سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾ [الفتح: ۲۹] نشانه ایشان در اثر سجده در پیشانی‌های‌شان نمایان است. الله متعال در این آیه نشانه ظاهری موجود در برخی از چهره‌های صحابه (رضی الله عنهم) را قرینه بر کثرت نماز، تهجد و قیام شب گردانده است. مثال آن از سنت نبوی این حدیث است که عایشه (رض) روایت نموده می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الْوَلَدُ لِلْفَرَّاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحُجْرُ». (أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، ج ۳، ۱۴۲۲ هـ: ۵۴) فرزند از آن صاحب فرش است و بر زانی جز سنگسار نخواهد بود. پیامبر صلی الله علیه وسلم در این حدیث موجودیت فرارش را قرینه برای ثبوت نسب فرزند از پدرش گردانده است. هم‌چنین از عایشه (رض) روایت است که: «إن رسول الله ﷺ دخل على مسرورا، تبرقأ أسارير وجهه، فقال ألم تری أن محمزا المدلجی دخل علی، فرأی أسامه وزیدا، وعليهما قطیفة، قد غطیا رؤوسهما، وبدت أقدامهما، فقال: إن هذه الأقدام بعضها من بعض؟». (الجزری، ج ۱۰، ۱۹۷۰ م: ۷۳۶) پیامبر صلی الله علیه وسلم به نزد من آمد در حالی که پیشانی او از خوشحالی روشنی می‌کرد، فرمود: «آیا ندیدی که اسامه با پدرش زید زیر چادری بودند که سر آن‌ها را می‌پوشاند؛ ولی پاهای آن‌ها معلوم می‌شد». مرد قیافه شناسی موسوم به «محمز المدلجی» به نزد من داخل شد و گفت: «برخی از این پاها از برخی دیگر آن‌ها می‌باشند.» در اینجا دیده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم حرف قیافه شناس را در رابطه به اثبات نسب اسامه بن زید (رض) از پدرش براساس مشابَهت در بین آن دو قرینه معتبر دانسته و آن را تأیید کرده است.

۲- قرینه فقهی: قرینه فقهی عبارت است از اینکه فقهاء آن را استنباط می‌کنند و دلیلی برای امری را قرار داده، به وسیله آن در دعاوی استدلال می‌نمایند. این گونه قراین در کتاب‌های فقه و تألیفات ویژه آن‌ها تسجیل یافته‌اند. به عنوان مثال فقهاء می‌گویند که بیع شخص مریض در حالت مرض مرگ به وارثش باطل است مگر اینکه باقی ورثه به آن اجازه بدهند.

همچنین بیع او به غیر وارثش در اضافه برثلث دارایی اش باطل است؛ زیرا این گونه تصرفات قرینه براین است که او می خواهد باقی ورثه یا تمام ورثه را متضرر سازد. به همین منوال، آن ها می گویند که تصرفات شخص مفلس در اموالش به خاطر متضرر ساختن داینانش یا ترجیح برخی از آن ها بر بعضی دیگر باطل است؛ زیرا این گونه تصرفات قرینه براین است که او می خواهد داینانش را متضرر گرداند.

۳- قرینه قضایی: قرینه قضایی عبارت است از اینکه قاضی آن را به دلیل آنکه همواره مصروف کارهای قضایی است و از احکام شرعی شناخت دارد، استنباط می کند و به آن استدلال می نماید. مثال آن این حدیث نبوی است که ابوهریره (رض) می گوید: نبی کریم صلی الله علیه وسلم فرمود: «بَيْنَمَا امْرَأَتَانِ مَعَهُمَا ابْنَاهُمَا جَاءَ الذَّبُّ فَذَهَبَ بِابْنِ إِحْدَاهُمَا فَقَالَتْ هَذِهِ لِصَاحِبَتِهَا إِنَّمَا ذَهَبَ بِابْنِكَ أَنْتِ وَقَالَتِ الْأُخْرَى إِنَّمَا ذَهَبَ بِابْنِكَ فَتَحَاكَمَتَا إِلَى دَاوُدَ فَقَضَى بِهِ لِلْكُبْرَى فَخَرَجَتَا عَلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَأَخْبَرَتْهُ فَقَالَ أَتَوْنِي بِالسِّكِّينِ أَشَقُّهُ بَيْنَكُمَا فَقَالَتِ الصُّغْرَى لَا تَفْعَلْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ هُوَ ابْنُهَا فَقَضَى بِهِ لِلصُّغْرَى. قَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ وَاللَّهِ إِنْ سَمِعْتُ بِالسِّكِّينِ قَطُّ إِلَّا يَوْمُنِي مَا كُنَّا نَقُولُ إِلَّا الْمُدْيَةَ». (القشيري، ج ۳، بی تا: ۱۳۴۴)

روزی دو زن با پسران خویش نشسته بودند که ناگهان گرگی آمد و پسر یکی از آن ها را برداشت، سپس یکی از آن ها به دیگری گفت: «گرگ پسر تو را برده است» و آن دیگری گفت: «نخیر، بلکه پسر تو را برده است» پس از آن به نزد داود (ع) اقامه دعوی کردند. داود (ع) حکم کرد که پسر موجود از زن کلان است، بعد از آن به نزد سلیمان (ع) رفتند و او را از ماجری آگاه ساختند، سلیمان (ع) گفت: «کاردی بیاورید تا او را دو نیم کنم و در بین تان تقسیم نمایم» زن خورد گفت: «این کار را انجام نده، الله بر تو رحم کند، آن طفل پسر من است» سپس سلیمان (ع) حکم کرد که آن پسر از زن خورد است. ابوهریره (رض) گفت: «قسم به خدا هرگز نام سکین را ننشیده بودم و قبل از آن کارد را به نام مُدْيَه یاد می کردیم.»

مهم ترین قرائین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۱۵

امام نووی (رح) می گوید: «منظور سلیمان (ع) این نبود که آن پسر را حقیقتاً دونیم کند؛ بلکه خواست شفقت و مهربانی زن را بیازماید تا مادر حقیقی آن طفل معلوم شود و زمانی که مادر حقیقی آن طفل آشکار گردید، آن را شناخت؛ زیرا سلیمان (ع) درک کرد که رضایت زن کلان به دونیم کردن طفل قرینه داله بر دروغگویی او است و مخالفت زن خورد با دونیم کردن آن، قرینه قوی بر راستگویی آن زن مبنی بر اینکه آن طفل پسرش است، می باشد.» (النووی، ج ۱۲، ۱۳۹۲ هـ: ۱۸)

سوم - تقسیم قرینه به اعتبار رابطه آن با مدلولش: قرینه به این لحاظ به دو نوع تقسیم می شود: یکی قرینه عقلی و دیگری قرینه عرفی می باشد.

۱- قرینه عقلی: قرینه عقلی عبارت است از اینکه رابطه در بین آن و مدلولش ثابت بوده و عقل آن را در تمام ظروف و شرایط استنباط می کند، مانند وجود خاکستر در مکانی قرینه آن است که قبلاً در آنجا آتش وجود داشته است؛ زیرا آتش همواره خاکستر به جا می گذارد.

۲- قرینه عرفی: قرینه عرفی عبارت است از اینکه بر رابطه بین آن و مدلولش عرف دلالت کند؛ مثلاً زنی ادعاء نماید که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است و قرینه بر صدق او دلالت نماید، مانند اینکه باکره باشد و بعد از ادعای تجاوز جنسی خون از وجودش جاری شود. در این حالت عرف بر این امر دلالت می کند که او در ادعایش صادق بوده و مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است و در این حالت حد زنا از او ساقط می گردد؛ زیرا قرینه داله بر صدق او وجود دارد. (محمد سفر، بی تا، ش ۱۲: ۱۱۹۰)

مطلب دوم - مهم ترین قرائین جدید: طوری که معلوم است که شریعت اسلامی علم و علماء را محترم می شمارد و برای آن ها جایگاه ویژه ای را در نظر گرفته است تا زمینه رهبری، روشنگری و جهل زدایی امت مسلمان را برای آن ها فراهم نماید. همانگونه که تحقیقات علمی را به منظور نیکی بخشی و بهروزی بشریت و استقرار و ثبات آن و تنظیم ترتیب فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن مقرر می دارد. آنچه در اینجا مهم است

بیان نظر فقه اسلامی پیرامون مهم‌ترین قراین جدید در زمینه اثبات جرایم می‌باشد. این قراین عبارتند از:

الف - آثار خطوط انگشتان دست: یکی از وسایل اثبات جدید، آثار خطوط انگشتان دست است. الله متعال در سطح و اطراف انگشتان دست و پا و هم چنان در خود سطح و اطراف کف دست‌ها و پاهای انسان خطوطی را آفریده است که در طول عمر او تغییر نمی‌کنند. این خطوط عبارت از رده‌های برجسته و دقیقی هستند که در سطح و اطراف انگشتان دست و پا و هم چنان در خود سطح و اطراف کف دست‌ها و پاها وجود دارند و در میان آن‌ها خلاها و شیارهای باریک موجود می‌باشند.

این خطوط در تمام عمر تغییر ناپذیر بوده و ممکن نیست که آثار خطوط انگشتان دو شخص در تمام روی زمین از هر لحاظ یکسان باشند و حتا دو همزاد هم آثار خطوط انگشتان شان مشابه نیستند. البته این یک معجزه الهی است که بر کمال قدرت و خلقت الله متعال دلالت می‌نماید. (حسن بن محمد سفر، بی تا، ش ۱۲: ۱۲۰۱) چنانکه می‌فرماید:

﴿يَخْسِبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنَ لَجْمَعِ عِظَامِهِ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾. (القيامة: ۳-۴)

آیا انسان می‌پندارد که ما استخوان‌های (پوسیده و پراکنده) او را گرد نخواهیم آورد! آری! (آن‌ها را گرد می‌آوریم) ما حتا می‌توانیم سرانگشتان او را (که یکی از دقائق اندام بدن است) کاملاً همسان خودش بی‌افرینیم (و به حال اول بازگردانیم).

در ارتباط به ارزش آثار خطوط انگشتان دست در زمینه اثبات، مرحوم شیخ طنطاوی بن جوهری در تفسیر این آیات می‌گوید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَقَالُوا لَوْلَا جُلُودُهُمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَوُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾. (فصلت: ۲۰-۲۲)

هنگامی که در کنار دوزخ گرد آمدند، گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های ایشان بر کارهائی که (در دنیا) می‌کرده اند، گواهی می‌دهند. آنان به پوست‌های خود می‌گویند: چرا

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۱۷

بر ضدّ ما شهادت دادید؟ پاسخ می دهند: خداوندی ما را به گفتار درآورده است که همه چیز را گویا نموده است و همو در آغاز شما را (ازعدم) آفریده است و (در پایان زندگی و بعد از ممات، دوباره جامه حیات به تنتان کرده و برای حساب و کتاب) به سوی او برگردانده شده اید. شما اگر گناهانتان را پنهان می کردید نه از آن جهت بود که از شهادت گوش ها و چشم ها و پوست های تان بر ضدّ خودتان بیم داشته باشید (چرا که اصلاً باور نمی کردید روزی اینها به سخن درآیند و بر ضدّ کسی گواهی دهند). بلکه گمان می بردید خدا بسیاری از اعمالی را که (مخفیانه) انجام می دهید نمی داند. از جمله آفرینش های برتر، دلایل استوار و انوار رحمت و محبت الله متعال این است؛ چون او تعالی از دید ما پنهان است و نمی دانیم که چگونه بدون حرف و صدا سخن می گوید و از سوی دیگر او تعالی به بندگان خود بسیار زیاد مهربان است، خواست مثالی را برای ما از مخلوقات بیان کند. پس زمانی که علم و قدرت او تعالی را با بیان مثلی از مخلوقات که با علم و قدرت خویش درک کردیم، اگرچه صفات ما با صفات او تعالی قابل مقایسه نیست، سخن او تعالی بدون حرف و صدا برایمان واضح می شود، همانگونه که دراین گواهی ها، دلالت های راستین بر حکمت، قدرت، عظمت او تعالی و بر شناخت مجرمان با شیوه های علمی در بحث خطوط دستها و پل پاها مشاهده می نماییم.

پس این مطلبی است که بدون حرف و صدا آن را می شناسیم. در جای دیگری می گوید: همه علمای اسلام اجماع نموده اند که حکم قاضی براساس ظن و گمان استوار است و نبی کریم صلی الله علیه و سلم به وسیله ظاهر حکم می کرد و خدای متعال متصدی رازها است؛ زیرا مادامی که در روی زمین هستیم، هرگاه با ظن، یقین آشکار بیاید، گمان را کنار خواهیم گذاشت.

آیا الله متعال در سور النجم نفرموده است: ﴿وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾. (النجم: ۲۸)

ایشان در این باب چیزی نمی‌دانند (و از نر و ماده بودن فرشتگان کاملاً بی‌خبرند) و جز از ظن و گمان پیروی نمی‌کنند و ظن و گمان هم (در بخش اعتقادات، به کسی سودی نمی‌رساند، و انسان را) بی‌نیاز از حق نمی‌گرداند.

پس هرگاه شنیده شود که شخصی بگوید: خورشید طلوع نکرده است؛ درحالی که طلوع کرده باشد، این گواهی پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا چنین گواهی مخالف حقیقت است و هم چنان هرگاه خطوط انگشتان مجرم بر این امر دلالت نماید که او قاتل است و آثار خطوط انگشتان بر روی دسته شمشیر معلوم شود و خود شمشیر در گردن مقتول یافت شود و شواهد دیگری نیز در این زمینه وجود داشته باشند و گواهی آمده این موضوع را انکار نماید. در این حالت به او می‌گوییم: ای شاهد! دروغ می‌گویی؛ زیرا ای دوست! این آیات در قرآن کریم به خاطر آن نازل گردیده اند تا دروازه‌ای را که در زمینه قضاء به طور نسبی بسته بود بر روی ما بگشایند. (طنطاوی، ج ۱۹، ۱۳۴۹: ۱۵۲)

خلاصه اینکه مرحوم طنطاوی بن جوهری به این نظر است که قرینه آثار خطوط انگشتان دست در دلالت خویش بر جانی صادق و راست است؛ زیرا نتیجه به دست آمده از آن براساس اصول علمی تأیید کننده نتایج استوار است. بنابراین، بر قاضی واجب است که بر آن اعتماد کند. اعتماد قاضی بر آن از اعتماد او بر شهادت شهود باید بیشتر باشد؛ زیرا سخن شاهد اخبار ظنی است که دارای احتمال دروغ است؛ ولی گواهی آثار خطوط انگشتان دست یقینی بوده و دروغ نیست.

این موضوع را سخن او در جای دیگری نیز تأیید می‌کند. چنانکه می‌گوید: «دوستم از من پرسید هرآینه از سخن شما درک کردم که این مخلوقات در دلالت‌های خویش راستگو هستند؛ درحالی که انسان گاهی دروغ می‌گوید. این دست‌ها و این پاها در دلالت‌های خویش صادق هستند و در آن‌ها نشانه‌هایی وجود دارند که جرایم صاحبان خویش را ثابت می‌سازند و دروغ نمی‌گویند؛ اما برعکس زبان‌های انسان‌ها در روی زمین دروغ می‌گویند. اما آیا علم الله متعال به اعمال ما نیازمند امثال دست‌ها و پاها است» (عوض عبدالله

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۱۹

ابوبکر، ش ۱۲، بی تا: (۱۲۹۵) در جواب او گفتم: نخیر! او تعالی آن را می داند؛ ولی این آیات برای اصلاح نفس های ما نازل شده اند. این آیات دونهوع دلالت دارند: یکی اینکه الله متعال به اعمال ما آگاه است و دیگر این که او تعالی برای ما مثالی از دست ها و پاهای مان بیان می کند که در آن ها علامه هایی است و به دلیل صادق بودن این نشانه ها در دلالت های خویش بر افعال ما به آن ها نسبت داده شده است که بدون حرف و صدا سخن بگویند؛ به گونه ای که سخن شان از جنس حرف و صدا نیست. زمانی که الله متعال نطق دست ها و پاها را می شنود و می پذیرد، پس قضات چرا نطق آن ها را نمی شنوند و نمی پذیرند؟ بلکه قضات باید نطق آن ها را به طریق اولی بشنوند و بپذیرند و سپس به وسیله دلالت های آن ها قضاوت و حکم نمایند. (طنطاوی، ج ۹، ۱۳۴۹، ۱۹ هـ: ۱۵۴)

بدون شک اخذ به قرینه طبق آثار خطوط انگشتان دست طوری که از استنباط شیخ طنطاوی واضح شد، سخن راست و درست است و بسیاری از فقهای معاصر آن را پذیرفته اند.

سخنی است که با نظر فقه اسلامی در شناسایی جرم و مجرمان و دستیگری آن ها حتی الامکان با دلالت دلایل و قراین همگام است؛ زیرا این کار منجر به استقرار و امنیت جامعه اسلامی می گردد. اما قول به اعتماد فقط بر قرینه آثار خطوط انگشتان دست و اکتفاء به آن به دلیل آنکه بر مبنای اصول علمی صحیح استوار است، قطعی و یقینی است و به وسیله آن بدون وجود دلیل دیگری که آن را تأیید نماید می توان تهمت را به متهم منسوب ساخت. هر چند شهادت شهود و قراین دیگر مخالف آن باشند، سخنی است که از هیچ یکی از فقهاء شنیده نشده است و با اعتماد فقه اسلامی بر شهادت شهود به عنوان دلیل اصلی در زمینه اثبات، سازگار نیست و با قاعده دفع حدود با شبهات نیز متعارض می باشد.

اما این به معنای انکار فایده علمی مستفاد از آثار خطوط انگشتان دست نیست؛ بلکه منظور از آن این است که اخذ به آن جایز است مادامی که شهادت شهود یا قراین دیگری که از آن قوی تر هستند با آن متعارض واقع نشوند؛ زیرا از موجودیت آثار خطوط انگشتان دست در محل جرم لازم نمی آید که صاحب آن اثر مجرم باشد؛ زیرا احتمال می رود که قاتل

او نباشد، بلکه شخص دیگری باشد. به عنوان مثال ممکن است صاحب آثار خطوط انگشتان دست، شخصی را مقتول یافته و به خاطر معلومات او را لمس نموده یا او را حمل کرده باشد یا او را در هنگامی که کشته شده است بدون آنکه فاعل یا شریک قتل باشد محکم گرفته باشد یا از خودش دفاع کرده باشد و امثال این گونه احتمالات و شبهات در هر دعوی باید مورد رسیدگی قرار بگیرند. علاوه براین، اخذ به قرینه آثار خطوط انگشتان دست صحیح است؛ ولی به دلیل موجودیت شبهه آشکار، به وسیله آن حد و قصاص اجراء نمی‌شود؛ مگر اینکه ایمان قسامت آن را تقویت نماید. سقوط حد و قصاص به وسیله آن به معنای سقوط تعزیر نیست؛ بلکه متهم در صورتی که دلیل قوی برای وجود آثار خطوط انگشتان دستش در محل جرم ذکر نکند، به وسیله دلالت آن متناسب با جرم ارتكابی اش مجازات تعزیری خواهد شد. (ابوبکر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۲۹۶)

بنابراین، در ارتباط به ارزش آثار خطوط انگشتان دست در زمینه اثبات از نظر فقه اسلامی می‌توان گفت که این یک حقیقت مسلم است که فقه‌های اسلام از آن بحث نکرده‌اند؛ زیرا در عهد آن‌ها معروف نبود، بلکه در سال (۱۸۹۰م) در اروپا شناخته شد. اما موقف‌شان در قبال سایر قراین بر آثار خطوط انگشتان دست، قابل تطبیق می‌باشد. به عنوان مثال:

۱- جرایم حدود و قصاص با این قرینه ثابت نمی‌شوند، اگرچه با این قرینه صاحب آن را می‌توان دستگیر کرد و با او تحقیق انجام داد؛ زیرا ممکن است مجرم شناسایی گردد و مجازات تعزیری بر او اجراء گردد.

۲- اما در جرایم غیر حدود و قصاص؛ یعنی جرایم تعزیری شناخت رأی ایشان به وسیله آنچه پیرامون قراین معروف در عصر خویش اظهار داشته‌اند، ممکن است؛ زیرا فقه‌های اسلام در اخذ به قراین از توسع کار گرفته‌اند و حتی بعضی علماء در شرایط کنونی می‌گویند: آثار رده‌های انگشتان دست یکی از ادله اثبات محسوب می‌شوند. (محمد سفر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۲۰۱)

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۲۱

ب- آثار پل پاها: یکی دیگر از وسایل اثبات جدید، آثار پل پاها است. مسؤولین امنیتی با استفاده از این آثار می توانند جنایتکاران را به خصوص در جرایم قتل و سرقت، شناسایی نمایند؛ زیرا آثار پل پاهای جنایتکاران در محل ارتکاب جرم باقی می ماند. این قرینه هم در گذشته و هم اکنون در نزد اعراب معروف بوده و هست. اعراب به خاطر پیدا کردن شتران و مواشی دزدی شده خویش در دشت ها و بیابان ها از آثار پل پاهای آن ها استفاده می کنند و توسط این آثار به محل وجود آن ها استدلال می کنند، هر چند در مسافه های دور باشند.

اعراب در استدلال از آثار پل پاهای حیوانات به محل وجود آن ها از نیروی باصره، خبرت و تمرین استفاده می کنند و بسیار به ندرت در این زمینه دچار اشتباه می شوند و حتا آن ها از آثار پل پاهای حیوانات این مطلب را که صاحب اثر پل پاها مذکر است یا مونث، قد بلند است یا قد پخش، سالم است یا معیوب، بر پشت خود چیزی را حمل کرده است یا خیر و اگر مونث باشد، حامله است یا خیر و... درک می کنند. (طنطاوی، ۱۴۱۶هـ: ۹۴) زیرا انس بن مالک (رض) می گوید: «گروهی از قبیله عکل یا عربنه به مدینه آمدند و در اثر مبتلا شدن به یک نوع بیماری از مدینه بدشان آمد، پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور دادند تا برای آن ها ماده شترهای پرشیری فراهم کنند و به آن ها فرمود تا از شیر و ادراغ آن شترها بخورند» آن ها نیز (به محل شترها) رفتند. وقتی حال شان خوب شد چوپان پیامبر صلی الله علیه وسلم را کشتند و شترها را با خود بردند. خبر این حادثه در اول روز به پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید، سپس گروهی را به دنبال آن ها فرستاد نیمه روز آن ها را آوردند. پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داد تا دست و پایشان از چپ و راست قطع شود و در چشم های شان میل کشیده شود و آن ها را در حره رها کردند آن ها درخواست آب می کردند؛ ولی کسی به آن ها آب نمی داد.» ابو قلابه می گوید: «اینها کسانی بودند که دزدی کردند و آدم کشتند و بعد از ایمان شان کافر شدند و با خدا و رسولش دشمنی کردند» (البخاری

ج ۱، ۱۴۲۲هـ: ۵۶)

دراین حدیث دیده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در بحث از جنایتکاران بر آثار پل قدم‌های آن‌ها اعتماد کرد و صحابه (رض) از این طریق آن‌ها را دستگیر نموده و به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آوردند. پس اگر آثار پل پاها دلیل نمی‌بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را ترک می‌کرد.

در رابطه به ارزش آثار پل پاها در زمینه اثبات می‌توان گفت که آن‌ها همان ارزشی را دارند که آثار خطوط انگشتان دست دارند. چنانکه از موجودیت آثار پل پاهای شخص در محل وقوع جرم لازم نمی‌آید که او آن جرم را مرتکب گردیده باشد؛ زیرا ممکن است موجودیت او در آنجا به خاطر سبب دیگری باشد، ولی می‌تواند قرینه‌ای باشد که مسؤولین امنیتی با استفاده از آن صاحب آن را دستگیر نمایند و او را مورد تحقیق قرار دهند.

ج- معاینات خون، ادرار و...: یکی دیگر از وسایل اثبات جدید معاینات خون، ادرار، منی و غیره است. بدون شک قاضی می‌تواند به منظور اثبات تهمت از نتایج معاینات خون، ادرار، منی و غیره کمک بگیرد و از آن برای محکومیت متهم به عنوان قرینه استفاده نماید؛ زیرا برای اعتماد قاضی بر این گونه نتایج اصل شرعی وجود دارد و به همین دلیل، می‌توان متهم را دستگیر نمود و او را مورد تحقیق قرار داد. (وض عبدالله ابوبکر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۲۹۷) اما علی رغم این، اعتماد بر معاینات خون و غیره به تنهایی برای مجازات کردن متهم جایز و کافی نیست هرچند فقه اسلامی استناد بر معاینات طبی را به منظور تشخیص هویت مجرم منع نمی‌کند؛ زیرا ابن قیم الجوزیه آثار زیادی را روایت نموده است که همه آن‌ها براین مطلب دلالت می‌کنند که معاینات طبی در دعوای جنایی از نظر صحابه (رض) معتبر است، هرچند آن‌ها آن را معاینات نامیده اند. به عنوان مثال:

۱- جعفر بن محمد می‌گوید: «زنی، عاشق جوان انصاری شده بود و زمانی کام خود را از او گرفته نتوانست، علیه او دسیسه کرد و سفیدی تخم مرغ را گرفته برلباس و بدنش ریخت سپس به نزد عمر بن خطاب (رض) آمد و فریاد زده گفت: "فلان جوان بر من تجاوز جنسی کرد و مرا در نزد خانواده ام رسوا ساخت و این نشانه کار او برلباس و بدنم است." عمر

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۲۳

(رض) از زنان پرسید و آنان گفتند: "در لباس و بدنش اثر منی دیده می شود" آن حضرت (رض) تصمیم گرفت تا آن جوان را مجازات کند و او استغاثه نموده می گفت: "ای امیر المؤمنین در باره من تحقیق کن و قسم به خدا نه زنايي را انجام داده ام و نه تصمیم آن را گرفته ام، بلکه این زن از من تقاضای زنا کرد و من از آن اجتناب ورزیدم". عمر (رضی الله عنه) از علی ابن ابی طالب (رض) پرسید: "ای ابو الحسن! نظرتو در این مورد چیست؟" علی (رض) به آنچه در لباس زن بود نگاه کرد، سپس آب داغ را خواست و بر لباس زن ریخت آنگاه آن سفیدی منجمد شد، سپس آن را گرفته استشمام نمود و چشید و درک کرد که آن مایع منی نه؛ بلکه سفیدی تخم مرغ است و زمانی که بر زن فشار آورد، آن زن اعتراف کرد.» (الجوزیه، ج ۱، ۱۴۲۸ هـ: ۱۲۰)

۲- ابوالقاسم خرقی و دیگران از امام احمد بن حنبل (رحمه الله) روایت نموده می گویند: «هرگاه زوجه ای ادعاء نماید که شوهرش عنین است و زوج ادعای زوجه را رد نماید و درحالی که زن بیوه باشد. در این حالت زوج با زوجه در یک اطاق گذاشته می شود و برایش گفته می شود: آب منی ات به گونه ای بیرون کن، پس اگر زن ادعاء نماید که آن منی نیست، بر روی آتش گذاشته می شود، اگر ذوب شود، منی بوده و قول زوجه باطل می گردد و این مذهب عطاء بن رباح است. این حکم به وسیله قراین ظاهری است؛ زیرا هرگاه منی بر روی آتش گذاشته شود ذوب شده از بین می رود و اگر سفیدی تخم باشد منجمد شده خشک می شود.» (الجوزیه، بی تا: ۴۴)

۳- ابن قیم الجوزیه می گوید: «قضیه ای به نزد برخی از قضات آورده شد که در آن مردی بر سر مرد دیگری کوبیده بود و شخص مضروب مدعی شد که ضارب حاسه باصره و شامه او را از بین برده است و قاضی فرمود: "شخص مضروب باید مورد امتحان قرار داده شود بدین صورت که با چشمانش به سوی قرص آفتاب نگاه کند، اگر چشمانش سالم باشند، در برابر نور آفتاب مقاومت کرده نمی توانند و از آن ها اشک جاری خواهد شد و خرقه ای در

داده شود و به بینی اش نزدیک کرده شود، اگر حس بویایی اش سالم باشد، رایحه آن به خیشومش می‌رسد و از چشمانش اشک جاری خواهد گردید.»

۴- ابن قیم الجوزیه در جای دیگری می‌گوید: «قضیه‌ای به نزد علی ابن ابی طالب (رضی الله عنه) آورده شد که در آن شخص مضروبی مدعی گردید که او گنگ است و علی (رضی الله) امر نمود که زبانش بیرون کرده شود و سپس با سوزن زده شود، اگر از زبانش خون سرخ بیرون شود، او دارای زبان سالم است و اگر خون سیاه خارج شود، او گنگ خواهد بود.» (الجوزیه، بی‌تا: ۴۵)

پس اگر منظور از معاینات طبی، معرفت خصوصیات اشیاء و شناخت ویژگی‌های جسم انسان و از این طریق رسیدن به کشف جرم و شناسایی مجرمان باشد، آنچه را ابن القیم از علی (رض) و فقهاء (رحمه الله) نقل نموده است، براین مطلب دلالت می‌کند که آن‌ها این گونه قراین را معتبر دانسته و در دعاوی جنایات بر آن‌ها اعتماد داشته اند. این بیانگر آن است که فقه اسلامی از استخدام شیوه‌های علمی و معاینات طبی به منظور کشف جرم و شناسایی مجرمان منع نمی‌کند. (ابوبکر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۲۹۸)

د- کشف توسط سگ‌های تمرین داده شده: یکی دیگر از وسایل اثبات جدید، کشف توسط سگ‌های تعلیم داده شده است. اما قرینه کشف توسط سگ‌های تمرین داده شده از جمله اکتشافات معاصر است که در کتب فقهی گذشته نه اثری از آن یافت می‌شود و نه خبری. اگر بخواهیم جایگاه قرینه مذکور را در فقه اسلامی از حیث قبول یا رد بدانیم، باید به چهارچوب عام نظام اثبات در فقه اسلامی نظر اندازیم. هرگاه به فقه اسلامی دیده شود، معلوم خواهد شد که فقه اسلامی در عرصه اثبات قضایایی جنایی از قانون متشددتر و محتاط‌تر است؛ زیرا فقه اسلامی ساحت اعمال قراین را در دو دسته از جرایم از قبیل جرایم حدود و جرایم قصاص تنگ ساخته و در دسته سوم از جرایم، مثل جرایم تعزیری اجازه داده است. پس اگر به قرینه کشف سگ‌های تمرین داده شده اخذ نماییم، ساحت اعمال آن دسته سوم از جرایم، یعنی جرایم تعزیری می‌باشد. (ابوبکر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۳۰۱) بناء از نظر

مهم ترین قرائین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۲۵

فقه اسلامی تشخیص توسط سگ‌های تمرین داده شده در عرصه حدود و قصاص دلیل اثبات شده نمی‌تواند؛ ولی قرینه شده می‌تواند و برای مسؤولین امنیتی اجازه آن را می‌دهد که مظنون را دستگیر نموده و مورد تحقیق قرار دهند.

اما قانوندانان آن را وسیله شناسایی جنایت و جنایتکاران محسوب می‌کنند؛ زیرا تجارب راجع به مؤثریت آن در شناسایی جرم و مجرمان دلالت می‌نماید. (محمد سفر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۲۰۰)

این یک حقیقت مسلم است که حقوقدانان نسبت به فقهاء در اعتبار قرائین از توسع کارگرفته‌اند؛ ولی با وجود این، برای کشف توسط سگ‌های تعلیم داده شده ارزش زیادی قایل نیستند؛ زیرا قضات را از اعتماد فقط بر آن به عنوان دلیل اثبات دعوی منع می‌کنند. از نظر قانوندانان اخذ به قرینه مذکور جواز ندارد مگر اینکه شواهد و قرائین دیگر آن را تأیید نمایند؛ یعنی معیار، تشخیص سگ‌های تعلیم داده شده نیست؛ بلکه دلایل و قرائین دیگر است و این برای زیادت اطمینان می‌باشد. پس هرگاه حقوقدانان در معتبر شمردن تشخیص سگ‌های تعلیم داده شده از احتیاط کار بگیرند، اخذ به آن در فقه اسلامی به طریق اولی جایز نخواهد بود؛ زیرا فقهاء نسبت به قانوندانان در زمینه اثبات جنایات متشددتر و محتاط‌تر می‌باشند. از ناحیه دیگر، فقه اسلامی حتا در پذیرفتن شهادت زنان در جرایم حدود و قصاص از تشدد کار گرفته است، پس باید شهادت حیوان را به طریق اولی نپذیرد.

حال این سوال مطرح می‌شود که شهادت در جرایم حدود و قصاص بر اساس مشاهده استوار است و دیگر اینکه جرایم مذکوره و آثار مرتبه بر آن از قبیل ازهراق روح خیلی خطرناک می‌باشند. بناء شهادت زنان قابل قبول نیست، اما قرینه شناسایی جرم و مجرمان از طریق سگ‌های تعلیم داده شده بر اساس اصول علمی صحیح استوار می‌باشد، پس چرا قرینه مذکور در جرایم حدود و قصاص پذیرفته نمی‌شود؟ در جواب این سوال می‌توان گفت که خود موظفین تحقیق جنایات می‌گویند که سگ‌های تمرین داده شده به چندین نوع هستند؛ یعنی برخی از آن‌ها ذکی و بعضی دیگری غبی می‌باشند و به هر پیمان‌ه‌ای که به طور صحیح تمرین داده

شوند، به همان اندازه در تشخیص خویش موفق می‌باشند. اینجا است که یقینی بودن نتایج مستفاد از آن در معرض شک قرار می‌گیرد؛ زیرا سگ، گاهی به صورت درست تمرین داده نمی‌شود و گاهی از نوع سگ‌های غبی می‌باشد. به همین دلیل، قانوندانان در مورد سگ‌های تعلیم داده شده محتاط می‌باشند و به همین سبب، در فقه اسلامی در این زمینه از احتیاط کار می‌گیریم و اخذ به قرینه‌ای را که نتیجه علمی در آن مختل است یا یقینی نیست به آن نسبت نمی‌دهیم. از ناحیه سوم سگ‌های تمرین داده شده در تشخیص رایحه‌ای که به منظور شناسایی مجرم برایشان داده می‌شود از نسیان و فراموشی مأمن نیستند. همانگونه که به دلیل وحشی بودن و شکاری بودن‌شان که منجر به اکراه و بطلان دلیل می‌گردد، مطمئن نمی‌باشند. (ابوبکر، ش ۱۲، بی تا: ۱۳۰۱)

هـ- تصویر برداری: یکی دیگر از وسایل اثبات جدید تصویر برداری در هنگام ارتکاب جرم است. به عنوان مثال شخصی علیه دیگری در پیشگاه محکمه ادعاء می‌کند که از دکان یا منزلش اموالی را دزدی کرده است و مدعی بینه ندارد و مدعی علیه اعتراف هم نمی‌کند؛ ولی تصویری وجود دارد که مدعی ادعاء می‌کند که آن را در هنگام ارتکاب سرقت توسط مدعی علیه عکس برداری کرده است. پس آیا این تصویر به عنوان دلیل برای محکومیت متهم کافی خواهد بود؟! در جواب این سوال می‌توان گفت که فقهاء می‌گویند که دلالت تصویر براینکه صاحب آن سرقت کرده است، خیلی ضعیف است و حجت بوده نمی‌تواند و صلاحیت آن را ندارد که قضات در اثبات جرم سرقت و امثال آن و اجرای حد آن بر صاحب تصویر بر آن اعتماد نمایند و آن را اساس قرار دهند. زیرا ممکن است که تصویر تغییر داده و برای اهداف متعددی به کار گرفته شود، چنانچه امروز در سینماها و تیاترها معمول است و در این کار تزویر و فریب کاری وجود دارد. بنابراین، استدلال به آن ممکن نیست و عمل به آن در زمینه قضاء اسلامی به عنوان وسیله اثبات شرعی جواز ندارد و علاوه بر آن در تصویر برداری تجسس، کشف اسرار و تجاوز بر آزادی شخصی مردم می‌باشد.

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۲۷

و- **ضبط کردن صدا:** یکی دیگر از وسایل اثبات جدید، ضبط کردن صدا است. مراد از ضبط نمودن صدا این است که شخصی توسط و سایل مخصوص، صدای شخص دیگری را ضبط می کند و سپس آن را به حیث قرینه برای محکومیت مدعی علیه ارایه می دارد. فقهاء می گویند که این گونه قرینه به دلیل همانندسازی در صداها قرینه بسیار ضعیف است و این چیزی است که تیاترها آن را به اثبات رسانده اند. دیگر اینکه احتمال دارد که صدا وارونه ساخته شود و علاوه براین، دراین کار نیز تجسس، کشف اسرار، استراق سمع و تجاوز بر آزادی شخصی انسان است که شارع متعال از آن نهی کرده است. (محمد سفر، ش ۱۲، بی تا: ۱۲۰۴) زیرا:

۱- الله متعال از تجسس در زندگی خصوصی مردم منع نموده است؛ چنانکه او تعالی می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم مِّنْ أَخِيهِمْ مِّثْنًا فَمَن تَغَابَرَ لَفِظًا فَأُولَٰئِكَ يَخْلَوْنَ فِي غَيْبَتِهِمْ بِغِيبَتِهِمْ﴾ (الحجرات: ۱۲)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها پرهیزید که برخی از گمان ها گناه است و جاسوسی و پرده دری نکنید و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ يك از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خواری بدتان می آید و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن پرهیزید و از خدا پروا کنید، بی گمان خداوند بس توبه پذیر و مهربان است.

۲- از عبدالله بن عمر (رضی الله عنهما) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يُسْلِمُهُ، وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ، وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً، فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (أبو عبدالله محمد بن إسماعيل البخاري، ج ۳، ۱۴۲۲هـ: ۱۲۸) مسلمان، برادر مسلمان است. بدین جهت به او ظلم نمی کند و او را تسلیم (ظالم) نمی نماید. هرکس، در صدد برآورده ساختن نیاز برادر مسلمانش باشد، خداوند در صدد رفع نیازهای او بر می آید. هر کس، مشکل برادر مسلمانش را برطرف سازد، خداوند مشکلی از مشکلات روز قیامت

او را بر طرف خواهد کرد؛ و هر کس که عیب برادر مسلمانش را بپوشاند، خداوند عیب‌های او را در روز قیامت، خواهد پوشاند.

۳- از ابو هریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا، نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسِّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ». (القشيري، ج ۴، بی‌تا: ۷۰۷۴) کسی که مشکلی از مشکلات دنیوی مؤمنی را حل کند، خداوند مشکلی از مشکلات روز قیامت او را حل می‌کند، و کسی که با تنگدستی سهلگیری کند، خداوند در دنیا و قیامت با او سهلگیری می‌کند. کسی که عیب مسلمانی را بپوشد، خداوند در دنیا و آخرت عیب او را می‌پوشد.

۴- معاویه ابن ابی سفیان (رض) روایت کرده گفته است که از پیغمبر خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «إِنَّكَ إِنْ اتَّبَعْتَ عَوْرَاتِ النَّاسِ أَفْسَدْتَهُمْ أَوْ كِدْتَ أَنْ تُفْسِدَهُمْ». (السجستانی، ج ۴، بی‌تا: ۲۷۲) اگر تو به دنبال عیب و عار و پرده دری مردمان باشی، ایشان را تباه خواهی کرد، یا چه بسا به تباهی بکشانی. سوم اینکه عبد الرحمن بن عوف (رض) می‌گوید: «او با عمر بن خطاب (رض) شبی در مدینه گردش نمودند، و در حالی که آن‌ها می‌رفتند، چراغی در خانه‌ای برای‌شان روشن معلوم شد و به طرف آن حرکت کردند، هنگامی که به آن نزدیک شدند، دیدند دروازه بسته است و در خانه گروهی که آوازهای‌شان بلند می‌شود قرار دارند و چیزی می‌گویند که فهمیده نمی‌شود.» عمر (رض) در حالی که دست عبدالرحمن را گرفته بود گفت: «آیا می‌دانی که این خانه کیست؟» گفت: «این خانه ربیع بن امیه بن خلف است و آن‌ها اکنون شراب می‌نوشند» چه فکر می‌کنی؟ گفت: «من بر آن هستم که ما عملی را انجام دادیم که خداوند از آن نهی نموده است.» خداوند گفته است: ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ [الحجرات: ۱۲]. و تجسس نکنید. و ما تجسس نمودیم، بعد عمر (رض) از آن‌ها برگشت و آنان را به حال خودشان رها کرد. (الکانه‌لوی، ج ۳، ۱۹۹۹م:

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۲۹

۵- از زید بن وهب الجهنی روایت است که گفت: «کسی به نزد عبدالله بن مسعود (رض) آورده شد و به آنحضرت (رض) گفته شد: این فلانی است، از ریشش شراب می چکد.» ابن مسعود (رض) گفت: «إِنَّا قَدْ هُمِنَا عَنِ التَّجَسُّسِ وَلَكِنْ إِنْ يَطْهَرُ لَنَا شَيْءٌ نَأْخُذُ بِهِ.» (الجزری، ج ۶، ۱۹۷۰م: ۶۵۵) ما از جاسوسی کردن و پرده دري نمودن نهی شده ایم، ولیکن اگر چیزی برای ما روشن و آشکار شود برابر آن عمل می کنیم و دست اندرکار می شویم.

۶- ثور کنندی روایت نموده است که: عمر بن خطاب (رض) شب هنگام در مدینه گشت می نمود، آن گاه صدای مردی را در خانه ای شنید که شعر می خواند، آنحضرت (رض) از راه دیوار بر او داخل شد و گفت: «ای دشمن خدا، آیا گمان نمودی که خداوند تو را در گناه و معصیت محفوظ و پوشیده می دارد.» گفت: «و تو، ای امیرالمؤمنین، بر من عجله مکن، اگر من در یک مورد خدا را معصیت نموده باشم، تو درسه مورد خدا را نافرمانی نموده ای!» خداوند گفته است: ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ [الحجرات: ۱۲] و تجسس نکنید. تو تجسس نمودی. و گفته است: ﴿وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾ [البقره: ۱۸۹]. و در خانه ها از دروازه های آن در آید. تو از دیوار بر من داخل شدی و بدون اجازه بر من وارد شدی! و خداوند تعالی گفته است: ﴿لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا﴾ [النور: ۲۷] به خانه هایی که غیر خانه های شماست تا آنکه اجازه نگیرید و بر اهل آن سلام نکنید، داخل نشوید. عمر (رض) گفت: «آیا اگر تو را عفو کنم خیری در تو سراغ است؟» گفت: «آری» آن گاه او را معاف نمود و بیرون شده ترکش نمود. (الکانه دهلوی، ج ۳، ۱۹۹۹م: ۱۴۸-۱۴۹) این اثر بیانگر این مطلب است که صاحب خانه در حال ارتکاب جرم شراب نوشی دستگیر گردید؛ اما چون این دستگیری نتیجه اجراءات نا مشروع بود؛ یعنی از طریق تجسس، بالاشدن از سر دیوار خانه و اجازه نخواستن از صاحب خانه و سلام ندادن بر او صورت گرفته بود، با استفاده از عدم مشروعیت دلیل از خود دفاع کرد و عمر (رض) به صحت این دفاع قناعت نموده او را به حال خودش گذاشت.

حال این سوال مطرح می‌شود که ممکن عمر بن خطاب (رضی الله عنه) آنچه را مرتکب شده (خداوند او را مورد عفو قرار دهد) با آنچه صاحب خانه مرتکب گردیده بود معامله کرده باشد. در جواب این سوال می‌توان گفت که آنحضرت (رض) صلاحیت عفو حد را ندارد، بلکه دلیل استمداد شده از حادثه را بعد از آنکه برایش معلوم شد که حق است بدان جهت ترک کرد که نتیجه اجراءات درست نبود. (ابوبکر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۳۰۰)

خلاصه سخن اینکه قراین مذکوره، قراین ضعیف هستند و نظر به دلایلی که ارایه گردید، وسایل اثبات شمرده نمی‌شوند؛ بلکه قراینی دلایل اثبات شمرده می‌شوند که با روح شریعت اسلامی و مقاصد آن در حفاظت استقرار و امنیت بندگان و حفاظت حرمت و آبروهای شان موافق باشند. ابن قیم الجوزیه می‌گوید: «الله سبحانه و تعالی با ایجاد شریعت حق و آسان و با تیسیر و تسهیل دین با زبان پیامبرش صلی الله علیه وسلم برای امت، ما را از داخل شدن در سختی‌ها و غل‌های آهنین و از ارتکاب شیوه‌های مکارانه، فریب کارانه و حيله گرایانه مستغنی ساخته است همانگونه که ما را از هر باطل، حرام و مضر به وسیله آنچه سودمندتر از آن است از قبیل حق، مباح و مفید... مستغنی گردانده است.» پس از آن مثال‌های متعددی برای آنچه ما را الله متعال به وسیله آن از طرق نامشروع مستغنی گردانده است ذکر می‌کند و می‌گوید: «وهم چنان ما را به وسیله طرق شرعی از طرق مکارانه و حيله گرایانه مستغنی ساخته است.» (الجوزیه، ج ۲، بی‌تا: ۶۹-۷۱) ابن القیم با این سخن خود می‌خواهد این مطلب را بیان نماید که طرقی که شرع آن‌ها را ترسیم نموده قابل اعتبار است نه طرق اهل مکر، تزویر، تدلیس و احتیال. (محمد سفر، ش ۱۲، بی‌تا: ۱۲۰۴)

اما قانون اجراءات جزایی افغانستان همه قراین جدید را به عنوان وسایل اثبات جرایم تعزیری به رسمیت شناخته و در صورت ارتکاب جرایم مذکوره و اثبات آن‌ها توسط قراین مزبور مرتکبان آن‌ها را مستحق مجازات پیش بینی شده در قانون (کود) جزای کشور دانسته است. چنانکه در مواد متعدد خود در این زمینه قرار ذیل ابراز می‌دارد:

مهم ترین قرائین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۳۱

ماده ۱۹: (۱) دلایل اثبات جرم عبارتند از: (۵) قرائین: مدارک آتی بارعایت درجه اهمیت در معاینات تخصصی به حیث ادله مادی محسوب می گردد. ۱. آثار رده های انگشتان دست، کف دست و پا. ۲. آثار بالستیکی بالای مرمی و خول (کارتوس). ۳. آثار آلات و افزار فلزی و سایر مواد سخت. ۴. پارچه های شیشه. ۵. آثار خون. ۶. آثار پا پوش. ۷. آثار نوشته ها. ۸. آثار دندان. ۹. آثار موی. ۱۰. آثار الکتریکی، بیولوژیکی و کیمیاوی. ۱۱. آثار اسلحه ناریه و جارحه و مواد منفلقه و منفجره. ۱۲. آثار وسایط نقلیه. ۱۳. آثار مایعات، منسوجات، لکه ها، تیزاب ها و املاح.

سایر مواد و آثاری که به نظر اهل خبره علماً ثابت شده و در تثبیت جرم و تشخیص مرتکب آن مؤثر باشد. (۲) احکام مربوط به دلایل اثبات مندرج این فصل در تمام مراحل رسیدگی دعوای جزائی، قابل تطبیق می باشد. (۳) قرائن تنها در صورتی اساس الزامیت را تشکیل می دهد که یک زنجیره دقیق و سازگار حقایق مربوطه را تشکیل داده و درکل عناصر جرمی را ثابت نماید. (۴) محکمه نمی تواند به ظن خود و در صورت موجودیت شبهه در دلایل، به الزام متهم حکم نماید.

بنابراین، مأمور قضایی، سارنوال و محکمه می توانند از نظریات اطباء و اهل خبره استفاده نمایند و حقایق و اوضاع قضیه را مشخص سازند.

ماده ۴۸: (۱) اهل خبره مکلف است به داخل میعاد معینه مراجع ذیصلاح نظر خود را ابراز نماید. اهل خبره می تواند بر اساس دلایل مؤجه تمدید میعاد معینه را از مرجع ذیصلاح تقاضا نماید.

ماده ۴۹: (۱) مأمور ضبط قضائی، سارنوالی و محکمه می توانند، در صورت ارتکاب جنایت یا جنحه، مظنون، متهم یا مجنی علیه را جهت انجام معاینات عدلی طبیبی به مرجع ذیصلاح معرفی و نشان انگشت، خون، موی، اکسریز و سایر مدارک را که از محل واقعه اخذ گردیده، به اداره مربوط ارائه نمایند. (۲) معاینات اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده توسط اهل خبره هم جنس صورت می گیرد.

ماده ۵۰: (۱) پولیس، خارنوالی و محکمه می‌توانند جسد مقتول یا جسد شخصی را که احتمال قتل یا انتحار یا مسمومیت وی متصور باشد و جسد شخصی که دریافت گردیده جهت انجام معاینات به اداره طب عدلی بفرستند. (۲) معاینه جسد در حضور پولیس یا خارنوال صورت می‌گیرد. (۳) اداره طب عدلی می‌تواند در صورت ضرورت هنگام معاینه جسد بر علاوه متخصص پتالوجی، طبیبی را که بار اخیر شخص متوفی را تدای نموده، احضار نماید. (۴) اجساد مدفون شده در صورت ضرورت بعد از اخذ اجازه نبش از محکمه ذیصلاح به طب عدلی فرستاده می‌شود. محکمه جهت صدور جواز نبش جسد، از نظر اهل خبره، اظهارات پولیس و طرفین دعوی استفاده می‌نماید. (۵) در ولایاتی که اداره طب عدلی موجود نباشد، معاینات عدلی طبی توسط متخصصی که از طرف اداره صحت عامه ولایت مربوط توظیف می‌شود، صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: از آنچه گفته شد واضح می‌شود که:

- ۱- قرینه هر علامه و نشانه واضح و آشکاری را گویند که با شیء مخفی مقارن و توأم بوده و برآن شیء دلالت می‌نماید.
- ۲- قرینه دارای سه عناصر تشکیل دهنده است که آن‌ها عبارتند از: امرظاهر، امرخفی و رابطه موجود در بین این دو امر.
- ۳- قرینه به اعتبار قوت اثبات آن به قرینه قویه، قرینه ضعیفه و قرینه کاذبه، به لحاظ مصدر آن به قرینه شرعی، قرینه فقهی و قرینه قضائی و از حیث رابطه آن با مدلولش به قرینه عقلی و قرینه عرفی تقسیم می‌شود.
- ۴- قراین در نظام قضایی اسلامی، منحصر به قراین شرعی نیست، بلکه هر اماره و نشانه ای را که استنباط و استخراج آن ممکن است، احتواء می‌نماید.

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۳۳

۵- قراین، وسیله اثبات مستقل محسوب می شود و در زمینه تأیید واثبات آن، دلایل شرعی از آیات قرآنی واحادیث نبوی وجود دارند.

۶- عمل به قراین از اهمیت بزرگی برخوردار است که هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند به خصوص هنگامی که هیچ گونه دلیل اثبات دیگری از قبیل اقرار، بینه و... وجود نداشته باشد به آن نیاز شدید احساس می شود؛ زیرا ما را به کنه و حقیقت می رساند.

۷- شارع (الله جل جلاله و پیامبر صلی الله علیه وسلم) به برخی از قراین تصریح نموده است و در این حالت قاضی مکلف است که به موجب آن عمل نماید، مانند قرینه پاره شدن پیراهن یوسف (ع) در این قول الله متعال: (إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ) [یوسف: ۲۶-۲۷] اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، زن راست می گوید و یوسف از زمره دروغگویان خواهد بود. و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، زن دروغ می گوید و یوسف از زمره راستگویان خواهد بود. وقرینه فراش در این قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: «الْوَلَدُ لِلْفَرَّاشِ وَلِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ» (البخاری، ج ۳، ۱۴۲۲هـ: ۵۴). فرزند از آن صاحب فرش است و بر زانی جز سنگسار نخواهد بود.

۸- قراین یکی از ادله اثبات حقوق و جرایم تعزیری است که اهمال و ترک آن جواز ندارد، بلکه شارع متعال آن را معتبر دانسته و رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرام (رضی الله عنهم) طبق آن عمل نموده اند.

۹- در عمل به قراین توسعه و غنی سازی فقه اسلامی و ارایه دلیل عملی برای آن است که فقه اسلامی صلاحیت آن را دارد که از آن ادله و وسایل اثبات استنباط و بیرون کرده شود.

۳۴ / مجله علمی- دعوت / سال چهارم، شماره نهم خزان و زمستان ۱۴۰۲ هـ ش ۱۴۴۵ هـ ق

۱۰- اما قراین جدید و معاصر، دلایل اثبات شمرده می شوند به شرط آنکه افاده علم حسی را نمایند و اگر افاده علم را نمایند- طبیعی است که افاده علم را نمی کنند- وسایل اثبات بوده نمی توانند اگرچه کمک خواستن از آن ها به منظور تقویت دلیل یا تضعیف آن جایز می باشد.

۱۱- همه قراین جدید از نظر فقه اسلامی و قانون اجراءات جزایی افغانستان، وسایل اثبات جرایم تعزیری بوده و مرتکبان آن ها در صورتی که جرایم شان توسط قراین مذکور به اثبات برسند مستحق مجازات تعزیری، یعنی جزای های پیش بینی شده در قانون (کود) جزای کشور خواهند بود.

سرچشمه ها

- قرآن کریم.

- ابن الاثیر الجزری، مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد (۱۳۹۰ هـ، ۱۹۷۰ م) جامع الأصول في أحاديث الرسول، تحقيق: عبد القادر الأرناؤوط، تنمة تحقيق: بشير عيون، الجزء السادس والعاشر، الطبعة الأولى. —: مكتبة الحلواني، مطبعة الملاح و مكتبة دار البيان.

- ابن قيم الجوزية، أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن أيوب (بي تا) إغاثة اللهفان من مصايد الشيطان، تحقيق: محمد حامد الفقي، الجزء الثاني، الرياض، المملكة العربية السعودية: مكتبة المعارف.

- ابن قيم الجوزية، أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن أيوب (۱۴۲۸ هـ) الطرق الحكمية في السياسة الشرعية، تحقيق: نايف بن أحمد الحمد، الجزء الاول، الطبعة الأولى. مكة المكرمة: دار عالم الفوائد.

مهم ترین قراین جدید و نقش آن ها در اثبات جرایم از نظر فقه اسلامی / ۳۵

- ابن قیم الجوزیه، أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن أيوب (بی تا) الطرق الحكمية، دمشق: مكتبة دار البيان.

- ابو زيد، بكر بن عبد الله (۱۴۱۶ هـ ق) أحكام الجنابة على النفس وما دونها عند ابن قيم الجوزية، دراسة وموازنة، الطبعة الاولى، بيروت، مؤسسة الرسالة.

- ابوبكر، عوض عبدالله (بی تا) «دورالقرائن والامارات في الاثبات» مجلة مجمع الفقه الاسلامي، العدد ۱۲، جدة: منظمة المؤتمر الاسلامي بجدة.

- البخاري، أبو عبدالله محمد بن إسماعيل (۱۴۲۲ هـ ق) صحيح البخاري، تحقيق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الجزء الاول والثالث، الطبعة الأولى. —: دار طوق النجاة.

- الزحيلي، وهبة بن مصطفى. الفقه الاسلامي وادلتها، الجزء الثامن، الطبعة الرابعة، دمشق: دارالفكر، ب-ت.

- الزرقا، مصطفى احمد (۱۹۴۶ م) المدخل الفقهي العام، الجزء الثاني، الطبعة السادسة، دمشق: دار الفكر للطباعة و النشر والتوزيع.

- السجستاني، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق (بی تا) سنن أبي داود، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد، الجزء الرابع. صيدا: المكتبة العصرية.

- سفر، حسن بن محمد (بی تا) «الطرق الحكمية فى القرائن كوسيلة اثبات شرعية» مجلة مجمع الفقه الاسلامي، العدد ۱۲. جدة: منظمة المؤتمر الاسلامي.

- عطوه، عبدالعال احمد (بی تا) محاضرات فى علم القاضى والقرائن.

- الفائز، ابراهيم بن محمد (۱۴۰۲ هـ- ۱۹۸۲ م) الاثبات بالقرائن فى الفقه الاسلامي دراسة مقارنة، الطبعة الاولى.

٣٦ / مجله علمی - دعوت / سال چهارم، شماره نهم خزان و زمستان ١٤٠٢ هـ ش ١٤٤٥ هـ ق

- القرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (١٣٨٤ هـ - ١٩٦٤ م) الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، الجزء التاسع، الطبعة الثانية، القاهرة: دار الكتب المصرية.

- القشيري، أبو الحسن مسلم بن الحجاج (بي تا) صحيح مسلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، الجزء الثالث و الرابع. بيروت: دار إحياء التراث العرب.

- الكاندهلوي، محمد يوسف بن محمد إلياس بن محمد إسماعيل (١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م) حياة الصحابة، التحقيق، ضبط النص والتعليق عليه: د. بشارعواد معروف، الجزء الثالث، الطبعة الأولى، بيروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع.

- المصري، طنطاوي بن جوهرى (١٣٤٩ هـ) الجواهر فى تفسير القرآن الكريم، الجزء ١٩، مصر: مصطفى البابي الحلبي واولاده.

- النووى، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (١٣٩٢ هـ) المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الجزء ١٢، الطبعة الثانية. بيروت: دار إحياء التراث العربي.

- وزارت عدليه (١٣٩٢ هـ) قانون اجراءات جزايى، كابل: رياست نشرات.